

تعقیبات نماز صبح

قِرَاءَتِ ذِكْرِ اللَّهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

خدایا بر محمد و خاندان محمد درود فرست و مرا به آن حقیقتی که در آن اختلاف شده به اذن خود راهنمایی کن، تو هر که را بخواهی به راه راست هدایت می کنی. و «ده مرتبه» بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الرَّاضِينَ الْمَرْضِيِّينَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَزْوَاجِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. خدایا برترین درودهایت را بر محمد و خاندان محمد، آن جانشینان خشنود و پسندیده تبار کن و برترین برکات خود را بر آنان سرازیر کن و سلام بر ایشان و بر ارواح و بدنهای پاکشان باد و رحمت و برکات خدا بر آنان باد.

خواندن این صلوات همچنین در عصرهای جمعه بافضیلت بسیار وارد شده:

اللَّهُمَّ أَحْيِنِي عَلَى مَا أَحْيَيْتَ عَلَيْهِ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَأَمِئْتِنِي عَلَى مَا مَاتَ عَلَيْهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

خدایا زنده بدار مرا بر آنچه که علی بن ابی طالب را بر آن زنده داشتی و بمیران مرا بر آنچه که علی بن ابی طالب (درود بر او) بر آن از دنیا رفت. و «صد مرتبه» بگو:

أَسْتَعْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ.

از خدا آمرزش می خواهم و به سوی او باز می گردم.

و «صد مرتبه»:

أَسْأَلُ اللَّهَ الْعَاقِبَةَ.

از خدا سلامت و تندرستی می خواهم.

و «صد مرتبه»:

أَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

پناه می برم به خدا از آتش دوزخ.

و «صد مرتبه»:

وَ أَسْأَلُهُ الْجَنَّةَ.

از او بهشت می خواهم.

و «صد مرتبه»:

أَسْأَلُ اللَّهَ الْهُورَ الْعَيْنِ.

از خدا حورالعین درخواست دارم.

و «صد مرتبه»:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ الْمُبِينُ.

معبودی جز خدا نیست؛ آن فرمانده و حقیقت آشکار هستی.

و «صد مرتبه» سوره «توحید» و «صد مرتبه»:

صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.

درود خدا بر محمد و خاندان محمد باد.

و «صد مرتبه»:

سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

پاک و منزه است خدا و ستایش ویژه خداست و معبودی جز خدای یکتا نیست و خدا از هر وصفی برتر است و هیچ نیرو و توانی نیست جز به خدای بلندمرتبه بزرگ. و «صد مرتبه»:

مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

آنچه خدا بخواهد می شود، هیچ نیرو و توانی نیست جز به خدای بلندمرتبه بزرگ.

أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِماً بِذِمَامِكَ الْمُنِيعِ الَّذِي لَا يَطَاوُلُ وَلَا يُحَاوِلُ، مِنْ سَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَ طَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ، فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ، بِلِبَاسِ سَابِغَةٍ وَلَا أَهْلٍ بَيْتِ نَبِيِّكَ، مُحْتَجِباً مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَدِيَّةٍ، بِجِدَارِ حَصِينِ الْإِخْلَاصِ فِي الْاعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ، وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ، مُوقِناً أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ بِهِمْ، أُولَى مَنْ وَالُوا، وَ أَجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا، فَأَعِدْنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ سَرِّ كُلِّ مَا أَتَّقِيهِ يَا عَظِيمُ، حَجَزْتُ الْأَعَادِي عَنِّي بِبَدِيحِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدّاً وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدّاً فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ).

خدایا صبح کردم درحالی که پناه آورده‌ام به پناهگاه بلند و استوار تو، پناهگاهی که در معرض دستبرد و دگرگونی قرار نمی‌گیرد، از شر هر بیدادگر و هر شبگرد رهن، از هر که و هر چه آفریدی، از آفریدگان خاموش و گویایت، در حفاظتی نگهدار از گزند هر چیز هراسناکی، همراه با پوششی گسترده از محبت خاندان پیامبرت و در پوششی استوار از هر که قصد آزار مرا دارد در پس دیوار محکمی فراهم آمده، از اخلاص در اعتراف به حق اهل بیت و تمسک به رشته ولایتشان با یقین به اینکه حق از آن ایشان و با ایشان و در ایشان و پابرجا به وجود آن بزرگواران است. دوست دارم کسانی که آن‌ها دوست دارند و برکنارم از کسانی که ایشان (از آنان) دوری می‌گزینند، خدایا پس به حقشان مرا از گزند هر چه که از آن پروا دارم پناه ده، ای بزرگ، از خود دور ساختم دشمنان را به یاری پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین، همان‌طور که قرآن می‌فرماید: «[به کيفر لجاجت و کبرشان] از پیش روی [دل و روح]شان، و از پشت سر [جان و وجود]شان حایلی [بلند و تاریک] قرار داده ایم، و [دیدگان] آنان را به صورتی فراگیر پوشانده ایم که نور هدایت را نمی‌بینند.»

و این دعایی است که هر صبح و شام خوانده می‌شود و نیز دعایی است که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در شب هجرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) وقتی در جای آن حضرت خوابید خواند:

و در کتاب «تهذیب» روایت شده: هرکس بعد از نماز صبح «ده مرتبه» بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

پاک و منزه است همراه با ستایش، خدای بزرگ و سپاس از آن اوست و هیچ نیرو و توانی نیست جز به خدای بلندمرتبه بزرگ. خداوند او را از کوری و دیوانگی و جذام و تهیدستی و ماندن زیر آوار و تباهی عقل به هنگام پیری در امان قرار می‌دهد.

و شیخ کلینی از امام صادق (علیه‌السلام) روایت نموده است: که هرکس پس از نماز صبح و نماز مغرب «هفت مرتبه» بگوید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ.

به نام خدا که رحمتش بسیار و مهربانی‌اش همیشگی است، هیچ نیرو و توانی نیست جز به خدای بلندمرتبه بزرگ.

خداوند (تبارک‌وتعالی) هفتاد نوع از انواع بلاها را که آسان‌ترین آن‌ها ریح (بیماری ورم معده) و یبسی (نوعی بیماری پوستی) و دیوانگی است از او برطرف سازد و اگر تیره‌بخت باشد نامش از دفتر تیره‌بختان زدوده و در دیوان سعادت‌مندان ثبت می‌شود:

و نیز از آن حضرت نقل کرده که برای امور دنیا و آخرت و رفع درد چشم، پس از نماز صبح و مغرب این دعا را بخوانند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلِ النُّورَ فِي بَصَرِي، وَابْصِيرَةَ فِي دِينِي، وَالْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَالْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَالسَّلَامَةَ فِي نَفْسِي، وَالسَّعَةَ فِي رِزْقِي، وَالشُّكْرَ لَكَ أَبَدًا مَا أَبْقَيْتَنِي.

خدایا! به حق محمد و خاندان محمد بر تو، درود فرست بر محمد و خاندان محمد و قرار بده در دیده‌ام نور و در دینم بصیرت و در قلبم یقین و در عملم اخلاص و در جانم سلامت و در روزیم فراوانی و سپاس بر خود را تا زمانی که مرا باقی می‌داری نصیب کن.

شیخ ابن فهد در کتاب «عدّة الدّاعی» از امام رضا (علیه‌السلام) روایت کرده: هرکس پس از نماز صبح این کلمات را بر زبان جاری کند، حاجتی نخواهد مگر آنکه برایش فراهم شود و خداوند آنچه برای او اهمیت دارد برایش آماده سازد و آن کلمات این است:

بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، (وَأَفْوُضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، فَوَقَاةَ اللَّهِ سَيِّئَاتِ مَا مَكْرُوا)، (لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَ نَجِّنَا مِنْ الْعَمِّ وَكَذَلِكَ تُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ). (حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ)، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ؛

به نام خدا، درود خدا بر محمد و خاندانش، «من کارم را به خداوند وامی‌گذارم؛ زیرا خداوند به بندگان بیناست؛ پس [در نتیجه واگذاری کارش به خداوند] خداوند او را از نقشه‌های شوم آنان [که می‌خواستند بر ضد وی به کار گیرند] حفظ کرد»، «معبودی جز تو نیست، تو [از هر عیب و نقصی] منزه‌ای، همانا من [به سبب

کناره گیری از قوم بدون اذن تو، [از ستمکاران بر خود هستیم؛ پس دعایش را مستجاب کردیم و از اندوه نجاتش دادیم و مؤمنان را این گونه نجات می دهیم]، «خداوند برای ما بس است و او نیکو کارسازی است؛ [آنان بدون توجه به سخنان منافقان و عوامل نفوذی در جنگ «حمرأه الأسد» شرکت کردند]، پس با نعمت و احسانی بزرگ از سوی خدا [از جبهه جنگ] بازگشتند درحالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود» آنچه خدا بخواهد همان می شود، هیچ نیرو و توانی نیست جز به خدای [بلندمرتبه بزرگ]؛ آنچه خدا بخواهد آن می شود نه آنچه مردمان بخواهند؛

مَا شَاءَ اللَّهُ وَإِنْ كَرِهَ النَّاسُ، حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ كَانَ مُدُّ كُنْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

آنچه خدا بخواهد خواهد شد گرچه مردمان خوش ندارند، کفایت می کند پروردگار مرا از یاری پروردگان، آفریدگار مرا از کمک آفریده ها، روزی دهنده مرا از لطف روزی خواران. خدای یکتا پروردگار جهانیان کفایت می کند، مرا بس است آن که به حقیقت مرا بس است، مرا بس است آن که همواره مرا بس است، مرا بس است آن که همواره از آنگاه که بوده ام مرا بس بوده است، مرا بس است خدایی که معبودی جز او نیست، بر او توکل نمودم و اوست پروردگار عرش بزرگ.

مؤلف گوید: شیخ ما ثقة الاسلام نوری (نُورَاللهُ مَرْقَدَةُ) در کتاب «دارالسلام» از شیخ خود مرحوم خلد مقام، عالم ربانی، جناب حاج ملا فتحعلی سلطان آبادی نقل فرموده است: که فاضل مقدس آخوند ملا محمد صادق عراقی در نهایت سختی و پریشانی و بدحالی بود و از هیچ راهی در کارش گشایشی فراهم نمی آمد تا آنکه شبی در خواب دید که در یک وادی خیمه بزرگی با گنبدی برپاست، پرسید این خیمه از کیست؟

گفتند: از کهف حصین [دژ محکم] و غیاث مضطر مستکین [یاربگر بیچاره در مانده] امام قائم حضرت مهدی و امام منتظر مرضی (عجل الله فرجه) می باشد. پس با شتاب خدمت آن حضرت شرفیاب شد و سختی حال خود را به آن جناب عرضه داشت و از آن بزرگوار دعایی برای گشایش کار و رفع غم خویش خواست. امام عصر او را به سیدی از اولاد خود ارجاع داد و به او و خیمه اش اشاره فرمود. آخوند از خدمت حضرت بیرون آمده و به خیمه ای که حضرت به آن اشاره فرموده بود رفت. دید که سید سند و حبر معتمد [دانشمند مورد اطمینان] عالم امجد مؤید، جناب آقا سید محمد سلطان آبادی است که در آن خیمه روی سجاده نشسته، مشغول دعا و قرائت است.

آخوند به محضر سید سلام کرد و حکایت حال خود را برای او بازگفت. سید او را برای گشایش کار و فراخی روزی دعایی تعلیم کرد. پس از بیدار شدن از خواب درحالی که آن دعا در خاطر او بود آهنگ خانه سید کرد با آنکه آخوند پیش از این خواب با سید به دلیلی که بیان نمی کرد رابطه خوبی نداشت و او را ترک گفته بود.

چون به خدمت سید رسید او را به همان صورت که در خواب دیده بود مشاهده کرد که در مصلاّیش نشسته، مشغول ذکر و استغفار است، به سید سلام کرد، سید جواب سلامش را داد و لبخندی زد، چنان که گویا از داستان آگاه باشد!

پس آخوند از سید برای گشایش کار خود دعایی خواست. سید همان دعایی را که در خواب به او آموخته بود تعلیم کرد، آخوند مشغول به آن دعا شد و در اندک مدتی دنیا از هرسو به او روی آورد و از سختی و تنگدستی نجات یافت.

مرحوم حاج ملا فتحعلی سید را به تعریف و تمجید شایسته ای می ستود و چندی به زیارتش نائل شده و زمانی چند هم افتخار شاگردی او را داشت. سید در خواب و بیداری به آخوند سه چیز را آموخته:

اول: آنکه پس از سپیده دم دست بر سینه گذارد و هفتاد مرتبه «یا فتاح» [ای گشاینده مشکلات] گوید.

دوم: آنکه به خواندن این دعا که در کتاب کافی است پشتکار و استمرار به خرج دهد. دعایی که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به فردی از صحابه خویش که به ناخوشی و پریشانی مبتلا بود آموخت و از برکت خواندن این دعا ناخوشی و پریشانی در اندک زمانی از او برطرف شد:

بخش صوت

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الدُّلِّ وَكَبِيرًا تَكْبِيرًا.

هیچ نیرو و توانی نیست جز به خدای [بلندمرتبه بزرگ]، توکل کردم بر زنده جاودانی که هرگز نمی میرد و ستایش خدای را که فرزندی نگرفته و در فرمانروایی شریکی برایش نبوده و از خواری و ناتوانی سرپرستی نداشته است و بی اندازه بزرگش شمار.